

سهام صفر سازمان تامین اجتماعی در لایحه بودجه

عباس اورنگ، کارشناس تامین اجتماعی



دولت بسته به شرایط اقتصادی کشور و با توجه به اتدک درآمدهای قابل استحصال خود، لایحه بودجه ۱۴۰۱ را تنظیم و تحویل مجلس داد. با توجه به این شرایط، از قبل نیز قابل پیش بینی بود که برای سازمان تامین اجتماعی سهم زیادی دیده نخواهد شد اما اینکه اصل سهمی برای این سازمان دیده نشود، غیر قابل تصور بود.

در سال آینده برای حوزه‌های مختلف، درآمد پایینی پیش بینی شده که این کم درآمدی، اثر مستقیمی بر بازار تولید و اشتغال خواهد داشت و این وضعیت باعث کاهش سرمایه گذاری تامین اجتماعی و در نتیجه کاهش درآمدهای این سازمان نیز می‌شود. باید توجه داشته باشیم که وقتی درآمدها کاهش پیدا می‌کند، هزینه‌های صندوق بازنشستگی به خاطر افزایش درخواست‌ها و ایجاد تعهدات جدید افزایش پیدا خواهد کرد، یعنی با وضعیتی مواجه خواهیم شد که از یک طرف درآمدها کاهش و از طرفی دیگر هزینه‌ها افزایش پیدا می‌کند. در چنین وضعیتی تامین اجتماعی نمی‌تواند و نباید تعهدات خود را نادیده بگیرد چرا که عواقب بدی به همراه خواهد داشت.

اگر قرار باشد مابه‌ازای این تعهدات در بودجه عمومی دولت دیده نشود و در بخش پرداخت بدهی‌های دولت به صندوق‌های بازنشستگی خصوصاً صندوق تامین اجتماعی، سهمی دیده نشود، مسلم است که مشکلاتی در جامعه بازنشستگان خواهیم داشت و این وضعیت بیش از همه دولت را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

همچنین باید گفت تحریم‌ها، فشارهای بین‌المللی، کاهش مواد خام، اختلال در بازار صنعت و... باعث ایجاد اختلال در روند تولید شده است. در اینکه امروز کارفرمایان با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند، شکی نیست و مسلم است که در این وضعیت چاره‌ای جز حمایت از بخش تولید نداریم اما باید متوجه باشیم که هر حمایتی از کارفرمایان و بخش تولید قابل دفاع نیست. برخی حمایت‌ها، کج کار کردهای اجتماعی و کج کاری‌های تولیدی ایجاد می‌کند. برای مثال چنانچه طرح حمایت از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی مصوب شود هیچ نهادی اجازه پیگیری مطالبات خود را از طریق اهرم‌های قهری نخواهد داشت. نتیجه این می‌شود که برخی از کارفرمایانی که مشکل مالی ندارند نیز به سرسایه این قانون از پرداخت بدهی خود به بانک و سازمان مالیات و تامین اجتماعی و... اجتناب می‌کنند. اجتناب از پرداخت بدهی هم سبب می‌شود بدهی کارفرمایان هر سال سنگین‌تر و پرداخت آن نیز سخت‌تر شود. از طرفی وقتی نهادهایی توانمند از قوه قهریه برای وصول بدهی خود استفاده کنند در نهایت چه تضمینی وجود دارد که آنها بتوانند به مطالبات خود برسند؟ این طرح در واقع می‌گوید، تامین اجتماعی، بانک‌ها و سازمان مالیات به هیچ وجه حق ندارند به سراغ کارفرما بروند. ما می‌خواهیم مشکل را حل کنیم اما مشکل بزرگتری خلق می‌کنیم.

همچنین این طرح با هدف جلوگیری از بسته شدن خط تولید، فروش اموال برای اخذ بدهی را ممنوع کرده است. خوب ممکن است کارفرمایی چند صد هزار هکتار زمین خریده باشد که توقیف آنها هیچ ربطی به خط تولید ندارد اما این طرح حتی نمی‌تواند این دارایی‌ها را نیز توقیف کرد. اگر صورت مالی شرکت‌ها و کارگاه‌ها را ببینیم متوجه می‌شویم که بسیاری از آنها به اسم توسعه و خرید خانه‌های سازمانی و... تاجایی که توانسته‌اند زمین و ملک خریده‌اند، خوب چراغ‌پیکار نباید طلب خود را از این املاک بردارد بدون اینکه آسیبی به خط تولید وارد کند؟ لذا با تصویب این قانون، کارگاهی که چرخش مالی دارد نیز حاضر نیست دیون خود را پرداخت کند. امروز بزرگترین بدهکار به سازمان تامین اجتماعی و سیستم بانکی، دولت است. وقتی سازمان تامین اجتماعی همین الان نیز بابت دریافت بدهی کلان خود از دولت با مشکل مواجه است، چگونه نمایندگان مجلس به دنبال تصویب طرحی هستند که سازمان نتواند سایر بدهی‌های خود را نیز بدهد؟ کارگران و صاحبان کارخانه‌ها می‌تواند باعث شود مشکلات جامعه کارگری و کارفرمایی به مراتب پیچیده‌تر شود.

تورم ۵۰ درصدی سال ۱۴۰۰ و کاهش خط فقر در کشور  
معمای چندمجهولی ابو حمزه!



نسرین هزاره مقدم

بیش از ۱۹ دلار در هر روز است. این رقم، خط فقر جهانی برای یک نفر در هر روز است. پیشتر خط بین‌المللی فقر یک دلار آمریکا در نظر گرفته می‌شد اما در سال ۲۰۰۸ بانک جهانی این رقم را ۱.۲۵ دلار براساس برابری قدرت خرید سال ۲۰۰۵ تغییر داد. این سطح در سال ۲۰۱۱ دوباره به روز رسانی شد و به ۱.۹ دلار در یک روز رسید.

**بهمین ۹۹ حد اقلی با همان خط فقر ۷ میلیون تومان بود. چطور بعد از گذشت نزدیک به یک سال و با وجود تورم حد اقل ۵۰ درصدی، خط فقر به ۴ میلیون تومان رسیده است؟ این معماران باید وزارت کاری‌ها حل کنند**

اگر ۱.۹ دلار را برای یک نفر در هر روز، به عنوان یک معیار بسیار حد اقلی جهانی در نظر بگیریم، در ۳۰ روز ماه، خط فقر ۵۷ دلار برای یک نفر و ۲۲۸ دلار برای یک خانواده ۴ نفره است. اگر قیمت دلار را ۲۶ هزار تومان در نظر بگیریم، خط فقر ماهانه برای خانوار ایرانی ۴ نفره براساس معیارهای بانک جهانی، بیش از ۵ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان می‌شود؛ یعنی حدود ۶ میلیون تومان. البته بانک جهانی این معیار را «خط فقر خشن» یا بسیار مطلق می‌داند که فقط هزینه کالای برای زنده ماندن است نه زندگی کردن. در این حال، بند دوم ماده ۴۱ قانون کار، با تعریف سبب معیشت حد اقلی، «خط فقر ملی» فراهم کرده است. در این بند از قانون، حد اقل هزینه‌های زندگی برای خانوار متوسط ایرانی (که فعلاً ۳.۳ نفر است) همان خط فقر ملی است که حد اقل دستمزد باید از آن بالاتر باشد. در بهمن ماه ۹۹ در جریان مذاکرات

مزدی ۱۴۰۰، سبب معیشت خانوار ۳.۳ نفره ایرانی، حدود ۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان تعیین شد و شرکای اجتماعی (دولت، کارگران و کارفرمایان) پای این رقم امضا گذاشتند.

**ابو حمزه: خط فقر خانوار ۴ نفره ۴ میلیون تومان است**  
با این اوصاف معلوم نیست که چگونه نوزدهم دی ماه، معاون رفاه اجتماعی وزیر رفاه در یک برنامه تلویزیونی می‌گوید: میانگین خط فقر در کشور برای خانواده ۴ نفره حدود ۴ میلیون تومان و برای شهر تهران کمی بیشتر و نزدیک به ۵ میلیون تومان است. ابو حمزه اضافه می‌کند: ممکن است در ذهن شما استاندارد نرمالی باشد. ما از این استاندارد صحبت نمی‌کنیم بلکه در رابطه با خط فقر که یک استاندارد بین‌المللی برای حد اقل معیشت است، صحبت می‌کنیم.

باید پرسید منظور از «استاندارد بین‌المللی خط فقر» چیست؟ آنچه چیزی جز روزی ۱.۹ دلار یا یک جهانی است که خود این نهاد بین‌المللی به تأکید می‌گوید این عدد، خط فقر برای زنده ماندن است و مبنای ست برای اینکه اگر فردی کمتر از این دستمزد روزانه داشته باشد، نمی‌تواند نیازهای اولیه خوراکی و آشامیدنی خود را تامین کند. همین خط فقر خشن، با احتساب نرخ دلار، حدود ۶ میلیون تومان است. در این صورت چگونه خط فقر ۴ میلیون تومانی برای خانواده ۴ نفره نتیجه می‌شود؟

**فعالان کارگری: معاون وزیر درکی از واقعیت ندارد**  
برای یافتن پاسخ این سوال به سراغ مذاکره‌کنندگان کارگری، مردو اعضای کمیته دستمزد شورای عالی کار (تنها نهاد سه‌جانبه کشور برای محاسبه خط فقر و حد اقل دستمزد) رفتیم. آیا این اثرات تورم ۵۰ درصدی روی سبب معیشت ۷ میلیون تومانی بهمین سال قبل را در نظر بگیریم و ببینیم به چه عددی می‌رسید.

«محمدرضا تاجیک»، نماینده مجمع عالی نمایندگان کارگری کشور در شورای عالی کار نیز در ارتباط با خط فقر ۴ میلیون تومانی معاون رفاه وزیر کار می‌گوید: جامعه هدف وزارت کار، کارگران و بازنشستگان هستند و این جامعه هدف گسترده، همه در ارتباط با محاسبات سبب معیشت و خط فقر ملی اطلاع دارند، بنابراین شنونده‌ها باید این اظهارات را تحلیل کنند. ما سال گذشته در شورای عالی کار، رقم حد اقل معیشت را حدود ۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان برای خانواده ۳.۳ نفره تعیین کردیم. حالا بعد از گذشت یک سال، خط فقر برای خانواده ۴ نفره شده ۴ میلیون تومان؟ نکته اینجاست که شرکای اجتماعی و مسئولان وزارت کار پایین صورت جلسه مربوطه را امضا کرده‌اند. همین امضاها بهترین مدرک است برای اثبات اینکه خط فقر به هیچ وجه زیر ۷ میلیون تومان نیست.

تاجیک تأکید می‌کند: امروز با این تورم حد اقل ۵۰ درصدی، هر جور که حساب کنیم سبب معیشت یاهمان خط فقر، بسیار بالاتر از ۸ یا ۹ میلیون تومان می‌شود. امسال در جلسات دستمزد، عدد رسمی خط فقر را برای مرد ۱۴۰۱ محاسبه می‌کنیم و به زودی مشخص می‌شود که خط فقر ملی بسیار بالاتر از این حرف‌هاست. ۴ میلیون تومان نصف خط فقر هم نیست!

«فرامرز توفیقی»، رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور و از اعضای کارگری کمیته دستمزد نیز در این رابطه می‌گوید: در بهمن مسأله ۹۹، هزینه‌های حد اقلی زندگی حدود ۷ میلیون تومان تخمین زده شد و دولت با این رقم موافقت کرد. مابه آن عدد بده دلیل اینکه با واقعیت زندگی همخوانی ندارد و محاسبه سبب خوراکی هادر آن واقعی‌سازی نشده، انتقاد داریم لذا در همان زمان خط فقر واقعی، بالاتر از آن ۷ میلیون تومان بود. الان با هر متر و معیاری که حساب کنیم، هزینه‌های زندگی بیش از ۱۱ میلیون تومان است که این کمیته محاسبات مستقل کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای این ادعا را ثابت می‌کند.

به گفته وی، باید پرسید چرا در آستانه شروع جدی مذاکرات مزدی ۱۴۰۱، معاون وزارت کار (مهم‌ترین نهاد دولتی درگیر مقوله دستمزد) از خط فقری رونمایی می‌کند که نصف خط فقر هم نیست!

**فقر نسبی و استانداردهای بین‌المللی**  
با این اوصاف، سوالات بسیاری در رابطه با خط فقر ۴ میلیون تومانی معاون وزیر مطرح است: آیا منظور ایشان، عدد یک دلار در روز است که بانک جهانی قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی مبنای قرار می‌داده و خود این نهاد در سال ۲۰۱۱ آن را به ۱.۹ دلار در روز رسانده است؛ عددی که فقط در آمد برای بقا خوانده می‌شود و نمی‌توان آن را خط فقر واقعی در نظر گرفت. با استناد به همان عدد، خط فقر حدود ۶ میلیون تومان می‌شود. در دهه ۷۰ میلادی، مفهوم جدیدی

**دستمزد شایسته، مزدی است که نه تنها خط فقر و حداقل‌های مورد نیاز یک زندگی بسیار ساده را پوشش می‌دهد، بلکه دیگر عناصر مورد نیاز برای یک زندگی شایسته، مانند تفریح، سفر، مطالعه و هزینه‌های فرهنگی خانوار را تأمین می‌کند**

به اسم فقر نسبی که در مقابل فقر مطلق قرار دارد مطرح شد. پیترو تاون‌سند از جامعه‌شناسان مطرح و استاد سیاست‌های اجتماعی بین‌المللی در مدرسه اقتصاد لندن به عنوان یکی از پیشگامان این ایده، چنین بیان داشت که مفهوم فقر مطلق بر پایه این فرض بنا شده که حداقلی از نیازهای اساسی وجود دارد که برای همه مردم در همه جوامع یکسان است، حال آنکه چنین نیازهایی نه فقط در بین جوامع گوناگون بلکه حتی در داخل یک جامعه واحد نیز متفاوت‌اند.

از نظر تاون‌سند در یک جامعه زمانی می‌توان افراد، خانوارها و گروه‌ها را فقیر محسوب کرد که منابع لازم یا مطلوب برای تهیه انواع غذاها، مشارکت در فعالیت‌ها و برخورداری از امکانات و شرایط معمول در جامعه‌ای که به آن تعلق دارند را از دست داده باشند یا منابع در اختیار آنها به‌طور جدی و اساسی از متوسط فردی یا خانوادگی متعارف کمتر باشد که نتیجه این امر کنار گذاشته شدن این گروه از افراد از زندگی اجتماعی، رسوم و فعالیت‌هاست. با توجه به تعریف ارائه شده از سوی تاون‌سند می‌توان گفت در رویکرد نسبی به فقر، مردمی فقیر محسوب می‌شوند که درآمدشان حتی اگر برای بقا کافی باشد از درآمد مورد نظر اجتماع بسیار پایین‌تر است. امروز در آمد چهار میلیون تومانی حتی برای «بقا» کافی نیست. محاسبات کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای این می‌دهد هزینه سبب واقعی خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، در حد ۴ میلیون تومان یا حتی کمی بیشتر است، یعنی برای تامین سبب خوراکی‌های حد اقلی، به تنهایی حد اقل ۴ میلیون تومان مورد نیاز است. در اینجا وقتی خط فقر را برای یک خانواده ۴ نفره، ۴ میلیون تومان عنوان می‌کنند، باز هم باید ببینیم، براساس کدام استاندارددهای بین‌المللی؟ البته شاید بتوان پاسخ سراسر تمامی این سوالات را در برهه زمانی فعلی یافت: زمان تعیین دستمزد کارگران برای سال آینده فرارسیده و حال وقت آن شده تا مسئولان و نهادهای رسمی از کاهش تورم، خط فقر و تمامی پارامترهایی که در تعیین مزد کارگران دخیل هستند، خبر بدهند؛ حتی به قیمت اینکه آمار اعلامی هیچ سنگینی با واقعیت‌های زندگی مردم نداشته باشد.

گزارش موسسه پژوهش تامین اجتماعی از فقیر شدن کارگران حکایت دارد



صنایع مختلف تعیین مزد صورت گیرد ولی گروه کارگری اعلام کرد که بند یک ماده ۴۱ قانون کار را هم مدنظر قرار بدهند که در آن اشاره شده دستمزد، بر اساس تورم اعلامی بانک مرکزی تعیین شود. ابوی تصریح کرد: بر اساس گزارش موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی وضع معیشت کارگران شاغل به سمت نزولی پیش رفته و فقیر تر شده‌اند لذا تأکید ما این است که در تعیین حد اقل دستمزد تنها تورم امسال ملاک عمل قرار نگیرد و شرایط اقتصادی و تورم سال آینده که قابل پیش بینی نیست، مورد توجه واقع شود.

روش‌شناسی اصلاح قانون کار بحث کردیم و دو گروه کارگری و کارفرمایی دیدگاه‌های خود را بیان کردند. وی ادامه داد: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی گزارشی از بررسی ابعاد مزد منطقه‌ای ارائه کرد که کارفرمایان معتقدند بودند باید به داوری گذاشته شود ولی وزیر کار از گزارش حمایت کردند و بر همین اساس مقرر شد تا جلسات کمیته دستمزد تا ۱۵ بهمن ادامه پیدا کند. نماینده کارگران در شورای عالی کار ادامه داد: یکی از موضوعاتی که در جلسه مورد تأکید کارفرمایان قرار داشت این بود که بر اساس منطقه و

نمایند کارگران در شورای عالی کار با بیان اینکه با تعیین مزد منطقه‌ای یا مزد صنایع مخالف نیستیم، تأکید کرد: خواسته ما تعیین مزد واقعی بر اساس هزینه‌های سبب معیشت کارگران است. وی احتمال تعیین دستمزد ۱۴۰۱ به شیوه منطقه‌ای را بعید دانست و گفت: زیر ساخت‌ها هنوز آماده نیست و این کار نیاز به کار مطالعاتی و کارشناسی دقیق و جامع دارد. به گزارش ایسنا، هادی ابوی ضمن تشریح جزئیات برگزاری آخرین نشست شورای عالی کار گفت: در این نشست، درباره